

۱

رقابت‌های اقتصادی چین و ژاپن، فرصت‌های اقتصادی پیشروی جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسین پوراحمدی میبیدی^۱

نعمت پهلوانی^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱. استاد دانشگاه شهید بهشتی h-pourahmadi@sub.ac.ir

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد n.pahlevani72@yahoo.com

چکیده

ظهور و سقوط قدرتهای بزرگ در طول تاریخ همواره با اقدامات متعدد اقتصادی، سیاسی و نظامی از جانب دو قدرت رقیب صورت پذیرفته است؛ از یک سو اقداماتی که از سوی قدرت نوظهور صورت گرفته و موجبات تسریع روند جانشینی را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر اقداماتی که از سوی قدرت سنتی و در راستای جلوگیری از سقوط صورت می‌پذیرفته است. ظهور قدرتمندانه چین و تداوم آن نیز دقیقا از این منطق پیروی نموده و موجبات تحولات گسترده در عرصه جهانی و منطقه‌ای را فراهم آورده است. تحولاتی که سرآغاز آن را عرصه اقتصادی می‌دانند و تداوم آن را نیز متأثر از همین عرصه؛ تحولاتی که بر اساس اصل سود مطلق یا همان کسب منافع با رعایت معادله حاصل "جمع جبری مضاعف"، سایر کشورها را به همکاری ترغیب می‌کند.

در مقاله زیر در پی پاسخ به این سوال هستیم که رقابت‌های دو غول قدرتمند اقتصادی در شرق آسیا چگونه می‌تواند منافع جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار دهد؟ مقاله در نظر دارد با بررسی ویژگی‌های دو طرح "ابتکار کمربند و جاده" و "طرح مشارکت برای زیرساخت کیفی" و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران با روشی توصیفی - تحلیلی زمینه‌های بهره‌مندی هرچه تمام‌تر جمهوری اسلامی ایران را از فرصت‌های ایجاد شده از سوی مراکز قدرت، ثروت و سرمایه جهانی موشکافی نماید. این مقاله از دیدگاه اقتصاد سیاسی به تبیین اهداف، انگیزه‌ها و مزایای این رقابت اقتصادی و تاثیرات آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران خواهد پرداخت.

• واژگان کلیدی

منافع ملی، اقتصاد سیاسی، ژاپن، چین، قدرت.

نگرانی از تداوم ظهور قدرتمندانه و رشد بی‌وقفه چین در سده جدید، سیاستمداران این کشور را بر آن داشت تا از طرح مبتکرانه تجاری جدیدی رونمایی کنند که در ابتدا می‌تواند موجبات گسترش هژمونی چین در منطقه شرقی آسیا و سپس با تامین منافع بیش از ۶۰ کشور در اقصی نقاط جهان و تفوق بر شاهراه‌های تجاری آبی و قاره‌ای، راه را برای گسترش سیطره فراگیر چین در قرن ۲۱ هموار سازد (Wong; Kin chi, 2017). اما آنچه که از ابتدا مسلم بوده آن است که ژاپن به عنوان یک قدرت سنتی منطقه‌ای در شرق آسیا در مقابل تحركات اقتصادی چین و به تبع آن رشد سیاسی و نظامی این کشور بیکار نخواهد نشست و طرح رقیبی از ابتکارات تجاری با مزایایی نسبی را پیگیری خواهد کرد؛ ابتکاراتی که موجب می‌شود تا آسیا به صحنه رقابت دو ابر قدرت اقتصادی آسیایی تبدیل شود. از همین رو است که قرن بیست و یکم را قرن آسیا نامیده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری آسیایی که از بزرگترین قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا و از جمله کشورهای تاثیرگذار در حوزه روابط بین‌الملل به شمار می‌رود به علت دارا بودن شرایطی منحصر به فرد در طول تاریخ همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است؛ شرایط بالقوه‌ای که در صورت فعلیت بخشیدن به آنها می‌تواند موجبات ارتقاء جایگاه این کشور در زنجیره ارزش جهانی و به تبع آن موقعیت این کشور در صحنه جهانی را فراهم سازد.

از آنجا که رقابت مبتنی بر همکاری میان دو غول اقتصادی آسیایی صحنه را برای کسب منافع بیشتر و بهتر ملت‌ها فراهم می‌آورد و همچنین قدرت چانه‌زنی کشورهای در حال توسعه را نیز افزایش می‌دهد، پژوهش درباره این موضوع در راستای کسب حداکثری منافع برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت می‌یابد؛ از همین رو در این مقاله از نگاه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و با تکیه بر اصل حاصل جمع جبری مضاعف به بررسی ظرفیت‌ها و نیازهای جمهوری اسلامی ایران ذیل دو ابر طرح شرقی یعنی ابتکار کمربند و جاده چین و طرح مشارکت برای زیرساخت کیفی ژاپن خواهیم پرداخت؛ ظرفیت‌هایی در حوزه ژئوپلیتیک، ژئو اکونومیک، ژئو انرژی و توان ایفای نقش محوری در بازار مصرف گسترده منطقه‌ای غرب آسیا؛ همچنین بنا بر این اصل که همکاری‌های میان دو ملت همواره بر اساس نیازهای متقابل و با هدف کسب سود بیشتر صورت می‌گیرد به بررسی نیازهای اساسی ایران در ذیل این طرح‌ها و در راستای نیل به اهداف ملی و کسب جایگاه برتر در حوزه بین‌الملل نیز خواهیم پرداخت.

چهارچوب نظری: اقتصاد سیاسی بین‌الملل

پیچیدگی و روابط متعدد و متداخل منازعات و همکاری‌ها از یک سو و سیاسی شدن مسائل اقتصادی از سوی دیگر را می‌توان از بارزترین ویژگی‌های قرن جدید موسوم به قرن جهانی شدن دانست. اکنون که جهان تغییر کرده است روش تحلیل جهان نیز باید تغییر کند؛ در هم تنیدگی عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی در جوامع بشری امروزی نمود اصلی این تغییر بوده است که رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل به توضیح و تبیین آن می‌پردازد. از این منظر که دو حوزه اقتصاد و سیاست را در تعامل کامل با یکدیگر می‌داند، ثروت و قدرت هم‌نهشت با یکدیگر هستند و هیچ رویداد و تحول اقتصادی نیست که نتایج سیاسی در پی نداشته باشد؛ همچنین هیچ تصمیم سیاسی را نیز نمی‌توان نام برد که شامل تبعات اقتصادی نباشد (پورا احمدی، ۱۳۹۷). گیلپین عنوان می‌کند که همواره یک ارتباط متقابل میان نظام اقتصادی و نظام سیاسی یک جامعه برقرار است، به طوری که موجبات اثرگذاری دو عرصه مذکور را بر یکدیگر چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی عمیقاً فراهم می‌آورد (Gilpin 1975). بر همین اساس است که توزیع قدرت در میان کشورها نیز بر مبنای توزیع توانمندی‌های اقتصادیشان صورت می‌پذیرد و این توانمندی‌ها معلول تغییر در ثروت شناخته می‌شوند؛ معلولی که تغییرات و جابه‌جایی‌های کالاهای فنی-سرمایه‌ای و تعهدات بیش از حد امنیتی در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی علت مستقل آن خواهند بود. بنابراین دولت‌ها ناچارند تا به منظور کسب قدرت بیشتر به کاهش تعهدات امنیتی و افزایش همکاری‌های اقتصادی منفعت‌طلبانه روی آورند. در همین راستا کیوهن و نای نیز در سال ۲۰۰۱ در مقاله خود تحت عنوان "قدرت و استقلال" بر اهمیت و ارتباط مسائل اقتصادی، رفاهی، فناوری و قدرت نظامی و سیاسی تاکید نمودند و این موارد را صرفاً عواملی در راستای تثبیت قدرت و منافع ملی دانستند (Keohane and Nye 2001: 22-23) چرا که امروزه مفهوم قدرت صرفاً به شکل فیزیکی/نظامی آن اطلاق نمی‌گردد بلکه در کنار آن قدرت تولیدی و مالی نیز قرار می‌گیرند که تاثیر چشمگیری بر نفوذ و جایگاه نسبی کنشگران در عرصه جهانی خواهد داشت (اسمیت و الانیس ۱۳۹۴: ۳۷). آشفنگی اقتصادی ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت هژمون جهانی پس از بحران نفتی ۱۹۷۰ از یک سو و جنگ با ویتنام از سوی دیگر که به نوبه خود در تاریخ پسا جنگ جهانی دوم بی‌سابقه بود و توانست موانع متعددی را در سیاست خارجی ایالات متحده پدید آورد، نشان داد که واژه قدرت در حال طی کردن نوعی تحول مفهومی است؛ موضوعی که کیوهن و نای نیز در کتاب خود تحت عنوان قدرت و وابستگی متقابل (۱۹۷۷) به بررسی دقیق و موشکافانه آن پرداختند (Sriyani and Nonutu 2020: 4).

از منظر رئالیسم، اقتصاد و تمامی جوانب اجتماعی در خدمت کسب و افزایش قدرت می‌باشند. از این منظر در اقتصاد سیاسی بین‌الملل دولتها بازیگران اصلی روابط بین‌الملل برشمرده می‌شوند. نظریه پردازانی همچون والتز بیان می‌کنند گرچه بازیگران دیگری همچون شرکت‌های فراملی نیز در صحنه روابط بین‌الملل حضور دارند که به بازیگری مشغولند اما آنها نیز صرفاً در چارچوب روابط میان دولتها عمل می‌نمایند (Waltz 2008: 76-78). نئورئالیسم بیان می‌کند که گرچه دولتها به دنبال کسب امنیت وجودی خود می‌باشند اما این هدف هیچ‌گونه منافاتی با همکاری‌های اقتصادی در سطح جهانی نداشته و این مورد نیز تنها تسهیل‌کننده هدف اولیه و اصلی دولتها یعنی همان پیگیری قدرت است. در واقع در محیط آنارشیک بین‌الملل دولتها چاره‌ای جز قدرت جویی و قدرت‌افزایی ندارند، چرا که تنها به واسطه آن می‌توانند بر اهداف دیگرشان از جمله صلح، رفاه و پیشرفت مداوم جامعه عمل ببوشانند. از همین‌رو در عصر جهانی شده کنونی که نقش بازار و توزیع توانمندی‌های فنی و صنعتی اهمیت مضاعفی در تعیین جایگاه بین‌المللی کشورها یافته است دولتها با این دید دست به سیاست‌سازی می‌زنند که بازار در حال توزیع منابع میان اشخاص، گروه‌ها و کشورها می‌باشد. منظور از بازار نه مکانی که مردم به خرید و تبادل اجناس با تولیدکنندگان می‌پردازند که منظور نیروی محرکه‌ای است که رفتار انسانها و حتی دولتها و شرکتهای چند ملیتی را شکل می‌دهد. از همین‌رو این سیاست‌ها به طور حتم تسهیل‌جریان تجاری ملی را مد نظر دارند که به سیاست‌های مرکانتیلیستی شناخته می‌شوند (Sriyani and Nonutu 2020: 6). بررسی سیاست‌های مرکانتیلیستی در واقع رابطه میان دولتها و شرکتهای تجاری ملی را نشان می‌دهد. دولتها به منظور دریافت هزینه‌های جانبی تولید، مالیات، کارآفرینی و به کارگیری نیروهای محلی و نمایش کارآمدی خود تشویق به اتخاذ سیاست‌های حمایتی و حفاظت از منافع تجاری ملی در رقابت‌های بین‌المللی می‌شوند. این سیاست‌ها انواع متعددی را شامل می‌شوند؛ آماده‌سازی سرمایه کافی برای صنایع جدید، جذب سرمایه سرگردان داخلی، آزادسازی صنایع تولیدی از مالیات و مقررات صنفی دست و پاگیر، انحصارگرایی در بعد محلی و بازارهای منطقه‌ای، صدور آسان پروانه تولید، تحمیل تعرفه بر واردات کالاهای مشابه تولید داخل و حتی ممنوعیت واردات آنها، ممنوعیت خروج کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات فناوری محور و کارگران ماهر و از همه مهم‌تر تسهیل جذب سرمایه، فناوری روز دنیا از جمله سیاست‌هایی‌اند که دولتها در راستای افزایش قدرت اقتصادی کشور اتخاذ می‌نمایند. این سیاست‌ها نه صرفاً در عرصه داخلی بلکه در ابعادی فراسرزمینی نیز صورت می‌پذیرند. امروزه جذب سرمایه خارجی یکی از کارویژه‌های مهم وزارت خارجه و کارمندان آن می-

باشد. دیپلمات‌های یک کشور علاوه بر صیانت از حقوق شهروندان خویش کارویژه مهم‌تر تشویق سرمایه‌گذاران بزرگ فراملی به سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری‌های روز دنیا به کشور مربوطه را در دستور کار دارند (Sriyani and Nonutu 2020: 21-22). اینگونه است که کشورها درصدد نیل به همکاری بر می‌آیند.

امروزه جوامع دیگر مانند گذشته جدا از یکدیگر به سر نمی‌برند، بلکه در حالیکه در روابط تنگاتنگی با یکدیگر قرار دارند، در نردبان موقعیت بین‌المللی نیز با یکدیگر بالا و پایین می‌روند؛ این رابطه تنگاتنگ را مفهوم وابستگی متقابل بیان می‌کند. وابستگی ملتها به یکدیگر از طریق تجارت در راستای تامین منافع ملی باعث شده است تا دیگر سود یکی به معنای زیان دیگری نباشد و عملاً بازی با "حاصل جمع جبری صفر" بی‌معنا شود (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۴۸). همکاری‌ها و منازعات میان دولت‌ها عملاً مطابق و بر اساس منافع ملی صورت می‌پذیرد. همانگونه که تضاد میان منافع دولت‌ها، نزاع آنان را سبب می‌گردد، همسویی منافع دولت‌ها نیز موجبات همکاری میان آنها را فراهم می‌آورد، همکاری‌هایی که در ابعاد و زمینه‌های مختلف صورت می‌پذیرد، اما ساختار نوین جهانی و اهمیت یابی مضاعف اقتصاد این همکاری‌ها را بیشتر به حوزه تجارت و تولید سوق داده است. در واقع جهانی شدن ساختارهای تولیدی و تجاری است که موجب شده است تا دولت‌ها در راستای دست-یابی به سهمی بزرگ‌تر نسبت به سایرین در بازارهای تولید، تجارت و سرمایه جهانی برآیند. اینکه یک کشور در چه بخشی از زنجیره تولید ارزش جهانی قرار داشته باشد و با چه میزان از پیچیدگی تولیدی و سطح فناورانه موجبات تولید یک قطعه یا کالا را فراهم آورد، جایگاه و اهمیت آن کشور را نسبت به سایرین مشخص می‌نماید. هرچه تولید در سطح بالاتری از فناوری قرار داشته باشد ارزش افزوده ناشی از تولید آن محصول نیز بیشتر بوده و در نتیجه ثروت آوری بیشتری را برای شرکت و در نتیجه دولت مزبور به ارمغان خواهد آورد. اما بایستی یادآور شد که صرفاً حضور در روند تولید در زنجیره ارزش نیست که موجبات سودآوری را فراهم می‌آورد؛ چه بسا بازیگرانی حضور دارند که صرفاً با تکیه بر پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی، ترانزیتی، تجاری و شبکه‌های بانکی سهم مهمی از سودآوری را از آن خود نموده و با به‌کارگیری مدل‌های مختلف توسعه سعی در ارتقای جایگاه خود در این زنجیره داشته‌اند (دانش‌نیا، ۱۳۹۱: ۷۲).

جایگاه یک دولت در ساختار قدرت جهانی نه صرفاً بر اساس قدرت نظامی بالا بلکه بر اساس میزان مشارکت و سهم در بازار جهانی و جای‌یابی در زنجیره ارزش جهانی مشخص می‌گردد. سوزان استرنج در مقاله خود تحت عنوان "باز اندیشی تغییرات ساختاری در اقتصاد سیاسی بین‌الملل:

دولتها، شرکتهای دیپلماسی" تلاش می‌کند تا بنیادها و ابعاد قدرت را بر چهارساختار تولیدی، امنیتی، مالی و فناوری مفهوم پردازی نماید. وی ارتقاء توانمندیها و جایگاه قدرت کشورها را در گرو توجه آنها به تحولات ناشی از تغییرات ساختارهای جهانی دانسته و بیان می‌کند که بازیگرانی که نسبت به سایرین دسترسی بیشتری به فناوری، سرمایه و بازار جهانی دارند، نقش موثرتری را در کنترل محیط اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کنند و این امر است که بر قدرت یک کشور نقش بسزایی دارد (Strange, 1994:106). از همین رو امروزه تسهیل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ارتقاء همکاری‌های فناورانه و اقتصادی با مراکز ثروت و فناوری جهان و حمایتگری اقتصادی از شرکتهای ملی از مهم‌ترین کارویژه‌های دولت‌های جهان در راستای افزایش سطح اقتصادی و افزایش ضریب نفوذ اقتصادی در سایر کشورهای جهان است. در واقع امروزه دولتهای جهان همچون نوک پیکان نقش هموارکننده مسیر رشد اقتصادی را بازی می‌کنند. آنها سعی می‌کنند تا جایگاه بهتری را در تقسیم کار جهانی احراز کنند؛ تولیدات آنها هرچه بیشتر فناورانه باشد، در جایگاه بالاتری از تقسیم کار جهانی قرار بگیرند تا توانایی بیشتری را در پیشبرد تصمیماتشان داشته باشند. برخی از دولتها امروزه گرچه از منابع بالایی برخوردارند اما فقدان کنترل سیاسی در جهت بیشینه‌سازی منافع حاصل از این منابع آنها را در جایگاه نامطلوبی در سطح جهانی قرار داده است (اسمیت و الانیس ۲۰۱۱: ۱۲۱) به همین دلیل دولتها به منظور اینکه منافع فردی خود را پیش ببرند به طور هماهنگ و در همکاری با برخی دولتهای همسو عمل می‌کنند تا به منافع مشترک دست یابند. این همکاری می‌تواند ناشی از دستیابی تک‌تک دولتهای همکار به مزیت تجمیع منابع و ایجاد یک عامل پر قدرت‌تر در رسیدن به اهداف مشترک باشد. امروزه تمامی کشورهای جهان با توجه به رابطه این همانی میان سیاست و اقتصاد، از تعهدات امنیتی خود در موضوعات بیشتر تنش‌زا به سود اهداف رفاهی و اقتصادی می‌کاهند و همکاری‌های اقتصادی خود را در حوزه‌هایی با منافع مشترک مراکز ثروت، تجارت و فناوری جهانی افزایش می‌دهند. این تغییر توازن به نفع اقتصاد علاوه بر اینکه باعث می‌شود قدرت نرم یک کشور در راستای تاثیرگذاری و اعمال نفوذ بر سایرین افزایش یابد، قابلیت تبدیل توانمندی‌های اقتصادی به توانمندی‌های دفاعی را نیز خواهد داشت و علاوه بر اینکه موجبات فراهم آمدن امنیت در عرصه‌های اقتصادی-رفاهی را برای کشور مذکور به ارمغان خواهد آورد، ایجاد امنیت در حوزه سخت‌افزاری را نیز به دنبال خواهد داشت. حال با توجه به مفروضات فوق، در ادامه به بررسی تحولات شرق آسیا و منافع موجود برای جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

رقابت چین و ژاپن

گرچه رقابت چین و ژاپن را بایستی در چارچوب بازی قدرت‌های بزرگ بررسی کرد و این خود نیازمند پژوهشی مستقل است، اما در اینجا سعی می‌شود اجمالاً بدان پرداخته شود. ژاپن که پس از جنگ جهانی دوم به واسطه پیمان امنیتی همه جانبه ۱۹۵۱ با ایالات متحده آمریکا تقریباً تمامی توان خود را صرف رشد و توسعه اقتصادی کرده بود به سرعت توانست جایگاه دومین قدرت برتر اقتصادی جهان را از آن خود کند و به عنوان دومین غول اقتصادی جهان و اولین قدرت اقتصادی بلامنازع شرق آسیا شناخته شود.^۱ تجربه رکود اقتصادی از میانه‌ی دهه ۱۹۹۰ به این سو و ورود به مرحله سوم منحنی رشد اقتصادی^۲ از یک طرف و برنامه‌های دقیق جذب سرمایه و صنایع فناوری- بر بین‌المللی توسط چین که به واسطه پتانسیل‌های داخلی این کشور تسهیل شده بود از طرفی دیگر باعث شد تا ژاپن کشور در سال ۲۰۱۰ قدرت رقابتی خود را در مقایسه با چین از دست بدهد و چین در سال ۲۰۱۰ قدرت دوم اقتصاد جهانی را احراز نماید (UNCTAD 2021). امروزه چین در حدود ۱۷ درصد از کل تجارت منطقه شرق و جنوب شرق آسیا یعنی حوزه آسه آن را در تصاحب خود دارد که این تجارت تنها در کالاهای کم فناوری بر نیست و کالاهای با فناوری بالا را نیز شامل می‌شود؛ صادرات ماشین آلات الکتریکی-فناورانه، راکتورهای اتمی، دیگ‌های بخار، قطعات و بردها و تجهیزات الکترونیکی پیشرفته از جمله این کالاها می‌باشند که از سال ۲۰۰۶ به این سو جایگاه برتر چین را در رابطه با تجارت این اقلام در منطقه مذکور رقم زده است.

چین نیز به منظور عدم تکرار تجربه ژاپن و دوری از فرو غلطیدن به مرحله سوم رشد اقتصادی و به تبع آن کاهش قدرت و توانمندی‌های کسب شده به ارائه ابتکار اقتصادی-نهادی (طرح کمربند و جاده) با سایر کشورها روی آورد، عاملی که از نگاه گیلپین تنها راه نجات کشورها از فرو غلطیدن به مرحله سوم رشد اقتصادی می‌باشد (گیلپین ۱۹۸۱: ۱۸۰-۱۹۴). این طرح سبب می‌شد علاوه بر اینکه پویایی رشد اقتصادی چین به عنوان منبع اصلی قدرت این کشور حفظ گردد، طرحی باشد که موجبات تحکیم رهبری و استیلای چین را نیز در منطقه‌ای فراهم آورد که دورانی تحت نفوذ و سیطره ژاپن قرار داشت (خداقلی پور ۱۳۹۶: ۲۷). از منظر اقتصاد سیاسی تحولات اقتصادی مذکور به زودی حوزه‌های سخت‌افزاری را نیز در بر گرفت و در راستای اهداف امنیتی مورد نظر چین در

^۱ این کشور از طریق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و عرضه فناوری‌های پیشرفته، نقش اساسی در رشد و توسعه کشورهای آسه آن و شمال شرق آسیا را ایفا می‌نمود.

^۲ گیلپین بیان می‌کند که کشورها همواره سه مرحله را در مسیر رشد خود طی می‌کنند که مرحله سوم آن مرحله کاهش رشد می‌باشد که در پی عدم وجود انگیزشی نو حاصل می‌گردد.

منطقه به کار رفت. افزایش سرسام‌آور بودجه نظامی چین در سالهای اخیر (بودجه این بخش رقم ۲۵۰ میلیارد دلار را در سال ۲۰۲۰ احراز نموده است که موجب شده این کشور پس از ایالات متحده به دومین کشور در هزینه‌های نظامی تبدیل گردد) نسبت به کشورهای شرق آسیایی موجبات نگرانی آنها را فراهم آورده است (Tradingeconomics 2021). بنابه گزارش‌های شورای روابط خارجی ژاپن میزان اختلاف دریایی چین با همسایگان در آبهای چین جنوبی، چین شرقی و مسائل حاکمیتی در بازه ۲۰۱۰ تا کنون نسبت به سالهای پیش از آن در حدود ده برابر افزایش داشته است که می‌توان آن را ناشی از افزایش روزافزون قدرت چین و جایگاه بین‌المللی این کشور دانست (Council of Foreign Relation (CFR) 2021). نگرانی‌های امنیتی ژاپن از همان ابتدای تحولات اقتصادی منطقه موجب شد تا این کشور موازنه‌سازی و دنباله‌روی را در بعد داخلی و خارجی همزمان با یکدیگر پیش ببرد. سند تقویت اتحاد ایالات متحده و ژاپن که به استراتژی دنباله‌روی ژاپن عمق می‌بخشید با موازنه‌سازی داخلی تقویت گردید که می‌توان نمود آن را در تحول اساسی دکترین دفاعی ژاپن و تغییر نقش نیروهای دفاع از خود از نیروهایی صرفاً دفاع پایه^۱ به نیروی دفاع پویا^۲ ملاحظه نمود. همچنین متن برنامه دفاعی میان مدت (۲۰۱۹-۲۰۲۳) ژاپن خبر از تحولات بنیادین در عرصه دفاعی این کشور دارد. علاوه بر این افزایش میزان نظامی‌گری ژاپن در سالهای اخیر را نیز می‌توان در افزایش واردات این کشور در حوزه نظامی ملاحظه نمود. مطابق آخرین آمار ارزش واردات نظامی ژاپن از ۴۰۳ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ به ۸۹۱ میلیون دلار در سال ۲۰۱۹ رسید؛ این در حالی است که این کشور خود از کشورهای دارای فناوری در ساخت تجهیزات نظامی به شمار می‌رود (Worldbank 2021). توجه ژاپن به اهمیت اقتصادی در جایگاه بین‌المللی قدرت، این کشور را بر آن داشته است تا به رقابت تمام عیار در عرصه اقتصادی بپردازد. ژاپن به منظور حفظ جایگاه خود در نظام بین‌الملل و خروج از رکود اقتصادی دست به طرح ابتکارات نهادی-اقتصادی جامعی در سرتاسر جهان به خصوص آسیا زده است که در مقابل "طرح مارشال آسیایی"^۳ چین درخور توجه می‌باشند. در شکل ۱ به اقسام و شرکای اصلی ژاپن در هر طرح اشاره نموده‌ایم؛ طرح‌هایی که امید می‌رود بتوانند قدرت رقابتی نسبی ژاپن را به این کشور بازگردانند.

^۱. Basic defense force (BDF)

^۲. Dynamic

^۳. منظور همان طرح کمربند و جاده است که بسیاری از اندیشمندان آن را برابر با طرح مارشال ایالات متحده برای اروپا پس از جنگ جهانی دوم می‌دانند که موجبات تثبیت سیطره ایالات متحده را بر اروپا سبب میشد.



شکل ۱- مجموعه استراتژی‌های ژاپن در قبال طرح کمربند و جاده

گرچه بررسی موشکافانه این طرح‌ها خود نیازمند پژوهشی مستقل می‌باشد لیکن مشخصات کلی این طرح‌ها مختصراً ذکر می‌گردد تا بتوانیم در ادامه به بررسی دقیقی از حوزه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران در هر یک از این طرح‌ها بپردازیم.

"طرح مشارکت برای زیرساخت کیفی"^۱ که در ۲۱ می ۲۰۱۵ از سوی نخست وزیر وقت ژاپن آبه شینزو اعلام شد به روشنی اظهار می‌داشت که "حمایت از کسب و کار شرکت‌های ژاپنی در فراسوی دریاها و پیشبرد صادرات سیستم‌های زیرساختی پیشرفته، از ستون‌های استراتژی رشد بوده و ژاپن بایستی برای رشد و کامیابی، آنها را از طریق انواع همکاری‌ها با کشورهای جهان بدست آورد" (Abe Shinzo 2013). بر اساس برآوردهای ژاپن، آسیا از جنوب شرق و غربی آن گرفته تا آسیای مرکزی به منابع مالی هنگفت (معادل ۲۶ تریلیون دلار تا سال ۲۰۳۰) و توسعه عظیمی در زیرساخت‌ها نیاز دارد تا بتواند ظرفیت خود را در راستای رشد اقتصادی آزاد نموده و به مرکزی برای هدایت اقتصاد جهانی در قرن ۲۱ بدل گردد (MOFA, MOF, METI, MLIT 2015). این درحالی است که پیش بینی می‌شود طرح کمربند و جاده بین ۱ تا ۸ تریلیون دلار و طرح مشارکت برای زیرساخت کیفی تنها از ۲۰۰ میلیارد دلار پشتوانه مالی بهره می‌برند که با این اوصاف در بهترین حالت نیز این تامین مالی تنها می‌تواند بخش کوچکی از نیازهای سرمایه‌گذاری آسیایی را

^۱. Partnership for Quality Infrastructure (PQI)

تامین نماید. از همین رو ژاپن به منظور تامین مالی گسترده‌تر در طرح دیگری تحت عنوان "استراتژی اتصال اروپا-آسیا"^۱ به همراه شرکای اروپایی خود با تاکید بر اتصال پایدار^۲ در طرح مذکور، رقابت اقتصادی با چین را به مرحله جدیدی رساند (Chan 2018). همچنین این کشور با مشارکت هند طرح کریدور آسیا-آفریقا را با هدف دستیابی وسیع به بازار مصرفی آفریقا مطرح نمود تا از این طریق دسترسی خود را بر تمامی مناطق جهان تسری بخشد. این طرح از طریق ۱۸ کشور از جمله ایران عملاً به عنوان طرحی رقیب برای طرح کمربند و جاده چین در قاره آفریقا محسوب می‌گردد (Silk road briefing 2017). فلذا به وضوح می‌توان دید که دو غول شرقی هیچ محدودیت جغرافیایی را برای کسب مزایای تجاری بر نمی‌تابند. تلاش‌های ژاپن در راستای کسب قدرت اقتصادی و تجاری نسبی در مقابل رقیب قدرتمندش چین حاکی از آن است که این کشور با درک درستی از اقتصاد سیاسی بین‌الملل در تلاش است تا با حمایت از شرکت‌های ژاپنی و فراهم آوردن بازار مصرف گسترده‌تری برای آنها به افزایش عناصر توان تجاری خود پرداخته و از تجارت به عنوان ابزاری قدرتمند در سیاست خارجی خود در راستای کسب هرچه بیشتر منافع ملی و نفوذ بر سایرین بهره‌برداری نماید؛ استفاده از این ابزار قدرتمند را می‌توان امروزه در لحظه لحظه روابط بین‌الملل مشاهده نمود برای مثال با همه‌گیری جهانی بیماری کووید-۱۹ از مبدا چین و عدم پاسخگویی این کشور به جامعه جهانی، ایالات متحده در اقدامی منفعت طلبانه طرح لغو تعهدات خود نسبت به اوراق بدهی این کشور را نزد چین مطرح نمود؛ امری که با واکنش شدید چین مبنی بر تهدید ایالات متحده به فروش این اوراق در ابعاد وسیع مواجه شد و ایالات متحده را به عقب نشینی از طرح مذکور وا داشت (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹). این مثال نقش اقتصاد، تجارت، ثروت و سرمایه را در پیشبرد اهداف کشورها در نظام آنارشیک جهانی به خوبی نشان می‌دهد. حال با توجه به نقش اقتصاد، تراز تجاری و جذب سرمایه یک کشور در جایگاه کشور مربوطه در نظام بین‌الملل به بررسی استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال همکاری با تمدن‌های پیشروی شرقی می‌پردازیم.

جمهوری اسلامی ایران و سیاست نگاه به شرق

درهم‌تنیدگی مسائل سیاسی-تجاری-اقتصادی جهان مدرن، وابستگی متقابل پیچیده تجاری، مفهوم‌یابی زنجیره ارزش جهانی، نگاه به شدت بدبینانه جمهوری اسلامی ایران به غرب به خصوص ایالات متحده (که ناشی از رفتارهای استعمارگرانه، خصمانه و مداخله‌گرانه آنها در ۱۵۰ سال گذشته

^۱. EU-Asia Connectivity Strategy (EACS)

^۲. به معنای توجه به وجود بازار کافی در سرمایه‌گذاری‌ها و تداوم منابع مالی در اجرای پروژه‌ها

در قبال ایران بوده است) و از همه مهم‌تر شرایط بحرانی منطقه غرب آسیا باعث شده‌اند تا تهران به داشتن شرکا و متحدینی با منافع موازی یا حتی گاه مخالف احساس نیاز نماید تا در تنگناهای جهانی در راستای حفظ و ارتقای موقعیت یکدیگر همکاری داشته باشند (عباسی نسب ۱۳۹۹، یاقوتی ۱۳۹۰: ۲۳). بنابراین در سال ۲۰۰۵ و همزمان با اعلام، انتشار "سند چشم انداز بیست‌ساله" از سوی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد "نگاه به شرق" به عنوان استراتژی نوینی مطرح گردید که با توجه به مقتضیات زمانه و نیازهای ملی پیگیری شد (منصوری مقدم و اسمعیلی ۱۳۸۷: ۲۸۴-۲۹۸). مطابق با مفاد سند چشم بیست ساله جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۴ شمسی جامعه‌ای است "دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پر شتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل" (آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۸۲: ۱)؛ این مهم تنها در صورتی میسر است که جمهوری اسلامی ایران بتواند نهایت استفاده را از ظرفیت‌های داخلی و منابع خارجی نماید. بهره‌برداری از منابع خارجی نیز تنها در همکاری کامل با پایگاه‌های ثروت و قدرت جهانی میسر است. از همین رو جمهوری اسلامی ایران با نگاهی ناشی از بی‌اعتمادی نسبت به کشورهای غربی، رشد و توسعه خود را در همکاری تمدن شرقی جستجو نمود. راهبرد "نگاه به شرق" که از لحاظ دامنه شمولیت تمامی کشورهای مناطق جنوب شرقی، شرق و شمال شرقی مرزهای ایران را در برمی‌گیرد، تعمیق مناسبات همکاری جویانه جمهوری اسلامی ایران را با بازیگران قدرتمند در مناطق مذکور در دستور کار خود دارد، که به صورت روابط دوجانبه و یا همکاری‌های جمعی و از طریق سازوکارها و نهادهای چندجانبه منطقه‌ای نمود می‌یابد. کشورهایی نظیر ژاپن، چین و کره جنوبی به عنوان کشورهای مهم شرق آسیا، روسیه به عنوان کشور مهم آسیای شمال شرق، مالزی به عنوان کشور مهم حوزه جنوب شرق آسیا و هند و پاکستان به عنوان کشورهای مهم جنوب آسیا از نمونه پایگاه‌های ثروت و قدرت جهان شرق می‌باشند که جمهوری اسلامی ایران خواهان ایجاد پیوند قوی با آنها در راستای کسب هر چه بیشتر منافع ملی بوده و خواهد بود (آدمی ۱۳۸۹: ۱۰۴). حضور چین و ژاپن به عنوان دو تمدن شرقی در راهبرد "نگاه به شرق" جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به عنوان پایگاه‌های ثروت و سرمایه‌ای در نظر گرفته شوند که جمهوری اسلامی ایران در پیوند نزدیک و یا استراتژیک با آنها بتواند به منابع بین‌المللی مورد نیاز در راستای ارتقاء توانمندی‌هایش دست یابد. این نگاه در حالی است که چین و ژاپن نیز علاقه‌مندی خود را به حضور در بازار ایران دور از تنش‌های بین‌المللی در مقاطع مختلف تاریخی نشان داده‌اند. برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک اقتصادی-تجاری و

سرمایه‌گذاری چین و ایران که به سند همکاری چین و ایران شناخته می‌شود نشان از علاقه‌مندی طرف چینی به ایجاد روابط استراتژیک و سرمایه‌گذاری‌های عظیم در ایران دارد که در سال ۱۴۰۰ توسط وزرای خارجه دو کشور امضا گردید. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در مود سند مذکور می‌نویسد "سند حاضر یک برنامه جامع در بازه زمانی بلندمدت (۲۵ ساله) رویکردی مبتنی بر احترام متقابل و منافع برد-برد در زمینه روابط دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی را مدنظر قرار داده است (وزارت امور خارجه ۱۳۹۹: ۳). ژاپن نیز به عنوان رقیب اقتصادی چین همواره بر پیشبرد روابط و همکاری‌های اقتصادی-تجاری تاکید داشته است. با این تفاوت که نزدیکی ژاپن از فردای جنگ جهانی دوم از این کشور متحدی استراتژیک برای ایالات متحده آمریکا ساخته است که روابط پرتنش جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده در طول چهار دهه گذشته بر روابط با این کشور نیز سایه افکنده است. شینزو آبه در سفر خود به تهران در سال ۱۳۹۸ به علاقه‌مندی ژاپن به سرمایه‌گذاری و مشارکت در توسعه سواحل چابهار و مکران به عنوان شاهراهی حیاتی و استراتژیک برای کشورهای که دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد ندارند اشاره نمود که برداشتن این گام می‌تواند گسترش روابط ترانزیتی و تجاری و در نتیجه شروع سرمایه‌گذاری شرکت‌های ژاپنی را در پی داشته باشد (اقتصاد ۲۴، ۱۳۹۸). اما بایستی توجه نمود که از ابتدای انقلاب اسلامی ایران همواره سه عامل اساسی بر روابط تجاری ایران با کشورهای جهان به خصوص ژاپن تاثیر اساسی داشته است که به قرار زیر می‌باشد:

- ۱- عنصر سطح داخلی: قوانین محدودکننده تجارت آزاد
- ۲- عنصر منطقه‌ای: جنگ و فقدان امنیت سرمایه
- ۳- عنصر سطح فرمانطقه‌ای و بین‌المللی: تحریم‌های اقتصادی و تجاری جهانی

گرچه امروزه دو عنصر ابتدایی بالا مانعی بر سر راه تجارت همه جانبه میان جمهوری اسلامی ایران با ژاپن به حساب نمی‌آیند اما به گفته سفیر ژاپن در ایران " روابط اقتصادی میان دو کشور به طور قابل ملاحظه‌ای در طول تحریم‌ها کاهش یافته است و به جای آن روابط فرهنگی اهمیت مضاعفی یافته است" (Moheb and Araghchi 2019: 97). گرچه تحریم‌ها به عنوان عاملی بازدارنده در بسیاری از جهات روابط ایران با چین را نیز محدود کرده است اما به علت رقابت اقتصادی سرسختانه چین و ایالات متحده و همچنین یکجانبه‌گرایی آمریکا در اعمال مجدد تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران، چین خود را محدود به اعمال جزء به جزء آنها نمی‌داند. درک همسویی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، چین و ژاپن می‌تواند در کنار رفع دائمی موانع سه‌گانه بالا در زمینه تجارت بو سرمایه‌گذاری بین‌المللی زمینه‌های همکاری‌های بیش از پیش آنها را با منافع

متقابل فراهم آورده و مشارکت این کشورها را در طرح‌ها و عرصه‌های همسو میسر سازد و زمینه ساز این مهم شود تا دولت جمهوری اسلامی ایران با انجام کارویژه یک دولت مدرن بیشینه‌ساز منافع حاصل از به کارگیری صحیح منابع و ظرفیت‌های داخلی گردد در نهایت کارایی یک دولت مدرن را به منصفه ظهور رساند.

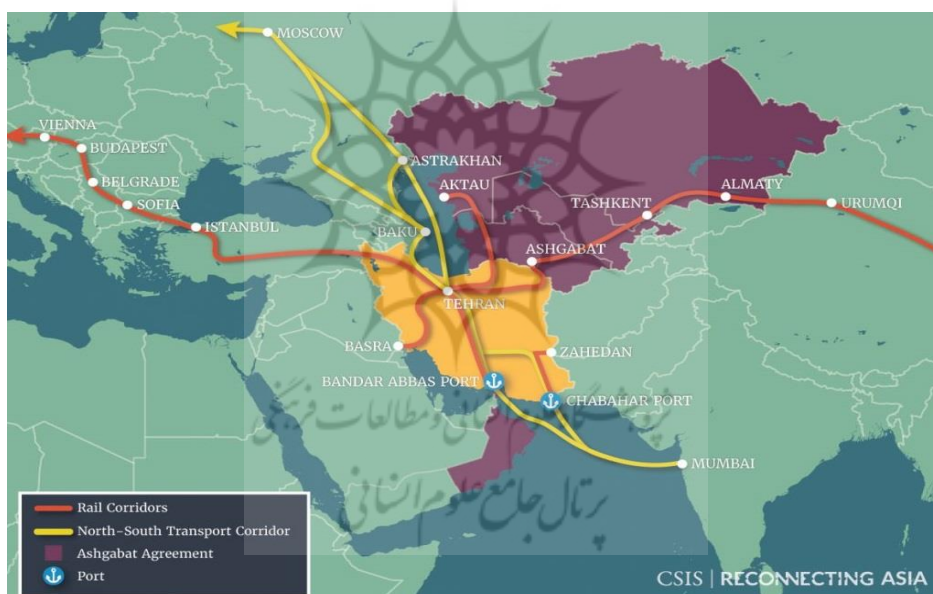
ظرفیت و منافع جمهوری اسلامی ایران

با پایان جنگ سرد، جهان شاهد تغییر شکل و مفهوم قدرت، از سیاست به اقتصاد بود؛ جهانی که در آن مراکز قدرت و ثروت بر یکدیگر منطبق شده بودند. در این بستر بود که پیگیری رشد و توسعه اقتصادی در راستای کسب توانمندی‌های مضاعف در دستور کار دولتها قرار گرفت؛ اما آنچه که اهمیت داشته و دارد، نه صرفاً پیگیری رشد مثبت اقتصادی بلکه نرخ رشد یا همان سرعت رشد اقتصادی بالاتر نسبت به سایرین است که موجب می‌شود جایگاه یک کشور در نظام تصمیم‌گیری بین‌المللی بهبود یابد. پیگیری نرخ رشد هر چه بالاتر اقتصادی، میزان توفیق یک دولت در دستیابی به امنیت اقتصادی و در نتیجه امنیت اجتماعی را مشخص می‌کند؛ و این مهم میسر نمی‌شود مگر با به کارگیری تمام و کمال و ظرفیت‌های موجود. جمهوری اسلامی ایران نیز همانند دیگر کشورهای جهان از این قاعده مستثنی نبوده است. به عقیده بسیاری از کارشناسان داخلی و خارجی، جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است آنچنان که باید، در بالفعل کردن ظرفیت‌های داخلی موفق باشد. صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۴ پیش‌بینی نمود که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های موجود می‌تواند در سال ۲۰۵۰ به ارزش تولیدی ۴۳۰۰۰ میلیارد دلاری دست یابد. بر اساس این پیش‌بینی ایران می‌تواند جایگاه دوم پس از چین با ۶۱۰۰۰ میلیارد دلار را در تصاحب خود داشته باشد (گل‌کرمی و همکاران ۱۳۹۷: ۴۱، فردانیوز ۱۳۹۶). همچنین نشریه گلوبال اکونومیکس نیز در سال ۲۰۰۷ ایران را جزو معدود کشورهایی دانست که می‌توانند از بزرگترین قدرت‌های اقتصادی قرن ۲۱ به شمار آیند (Global Economics Paper 2007: 2-10). در غیر این صورت پیش‌بینی می‌شود که جایگاه اقتصادی ایران تا سال ۲۰۵۰ تنزل یافته و به رتبه ۲۵ جهان سقوط کند. بنابراین اهتمام ایران به ظرفیت‌های خود در حوزه های ژئوپلیتیک، ژئو اکونومیک و ژئو انرژی می‌تواند توجه قدرت های شرقی را به خود جلب نموده و زمینه ساز شروع و گسترش همکاری‌های کشورمان با قطب‌های اقتصادی شرقی گردد.

ایران به عنوان قلب کریدورها: ایران از جمله کشورهایی است که دارای جایگاه ویژه‌ای در توزیع جغرافیایی قدرت می‌باشد. این جایگاه جغرافیایی به حدی استراتژیک است که آن را چهارراه حمل و نقلی جهان در نظر می‌گیرند؛ چهارراهی که تقاطع کریدورهای شرق به غرب و شمال - جنوب کره خاکی می‌باشد. با توجه به شکل ۶ ایران با دارا بودن زیرساخت‌های کافی در زمینه مسیرهای ریلی و جاده‌ای، می‌تواند از طریق هشت مسیر متفاوت ریلی و جاده‌ای بندرعباس و بندر چابهار را به آسیای مرکزی، مسکو و اروپا متصل نماید. البته گفتنی است که این ادعا به این معنی است که این شریان‌ها ایمن‌ترین و از لحاظ مسافت، زمان و هزینه به‌صرفه‌ترین مسیر ترانزیت ممکن به شمار می‌آید (گل کرمی و همکاران ۱۳۹۷: ۴۰، پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی ۱۳۹۷). از سوی دیگر علاوه بر اینکه این کریدورها دسترسی کشورهای آسیای مرکزی را به آب‌های آزاد تسهیل می‌سازند، می‌توانند تسهیلات لازم برای تکمیل پازل سیاست خارجی طرح هند-پاسفیک آزاد و همگانی و یا مشارکت برای زیرساخت کیفی آسیایی را برای ژاپن فراهم آورند و از این طریق از منافع ارز آوری بالای ناشی از ترانزیت کالا و نقش آفرینی به عنوان حلقه اصلی در زنجیره ارزش جهانی-منطقه‌ای در راستای افزایش قدرت ملی استفاده نماید. از همین روست که ایران در استراتژی کریدور آسیا-آفریقای هند و ژاپن به عنوان حلقه اصلی زنجیره به شمار می‌آید و این طرح از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های طرح رقیب کمربند و جاده محسوب می‌شود. از سوی دیگر ایران به عنوان یکی از مسیرهای اصلی تکمیل طرح کمربند-جاده مطرح است که در مسیر اصلی کریدور آسیای مرکزی آن واقع شده است.^۱ از مهم‌ترین مزایایی که چین و ایران متقابلاً از آنها منفعت می‌برند می‌توان به تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، افزایش همکاری‌های گمرکی، ادغام در بازار جهانی، تسریع در ایجاد زیرساخت‌های نو در بندر و ایجاد مسیرهای زمینی و آبی به منظور تسهیل در نقل و انتقالات کالا و خدمات و بهسازی زیرساخت‌های حمل و نقل هوایی اشاره نمود که از مهم‌ترین محورهای طرح کمربند و جاده عنوان شده‌اند (خداقلی‌پور ۱۳۹۶: ۲۹-۳۰). علاوه بر مزایای فوق‌الذکر، با توجه به تحرک‌پذیری سرمایه در دنیای جهانی شده امروزی که شرکت‌های فراملیتی به عنوان تولیدکنندگان پیشرو در عرصه کالاهای فناورانه شناخته می‌شوند که به منظور سودآوری بیشتر همواره در حال انتقال فناوری‌های خود به کشورهایی با بیشترین تسهیلات و کمترین موانع تولید

^۱ این کریدور که از استان شیان در فلات مرکزی چین آغاز می‌شود با گذر از استان‌های گانسو و استان سین کیانگ از سمت جنوب غربی به سمت آسیای مرکزی خارج می‌شود و پس از عبور از استانهای شمالی ایران، عراق، سوریه و ترکیه در نهایت به ونیز ایتالیا ختم می‌شود (خداقلی‌پور ۱۳۹۶: ۲۰).

می‌باشد، ایران می‌تواند به عنوان کشوری با نیروی کار و بازار مصرفی عظیم توجه سرمایه‌گذاران عرصه‌های تولیدی را به خود جلب نماید همانگونه که از محورهای اساسی طرح کمربند و جاده و مشارکت برای زیرساخت کیفی آسیایی تسهیل سرمایه‌گذاری و ایجاد مناطق سرمایه‌گذاری مشترک بوده است. گرچه در مورد عدم حضور ایران در طرح کمربند و جاده می‌توان مسیرهای جایگزینی ایجاد نمود اما خروج ایران از طرح کریدور آسیا-آفریقا می‌تواند کل این پروژه را به طور کامل متوقف کند زیرا هیچ مسیر شمال-جنوب دیگری در دسترس نخواهد بود، اما حضور ایران در این طرح می‌تواند گسترش همکاریها و ارائه کمکهای مالی و زیرساختی و حجم انبوه فناوریهای روز زیرساختی جهان را به ایران روانه سازد؛ طرحی که اجرایی شدن آن می‌تواند دستیابی به بازاری وسوسه‌انگیز را برای ژاپن تداعی سازد و همچنین عاملی در راستای کسب هر چه بیشتر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار آید.



شکل ۲ - کریدور شمال - جنوب (منبع: پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی ۱۳۹۷)

ایران با دارا بودن سواحل بی‌پایان در دریای عمان و زیر ساختهای ارتباطی شرق به غرب و شمال به جنوب می‌تواند بدون وجود تضاد منافع میان دو طرح رقیب هم از مزایای طرح کمربند-جاده چین در اتصال شرق به غرب و هم از منافع طرح جنوب به شمال هند و ژاپن بهره‌مند گردد، تحریم‌های ایالات متحده همواره موجب شده تا عملاً جمهوری اسلامی ایران از سرمایه جهانی بی

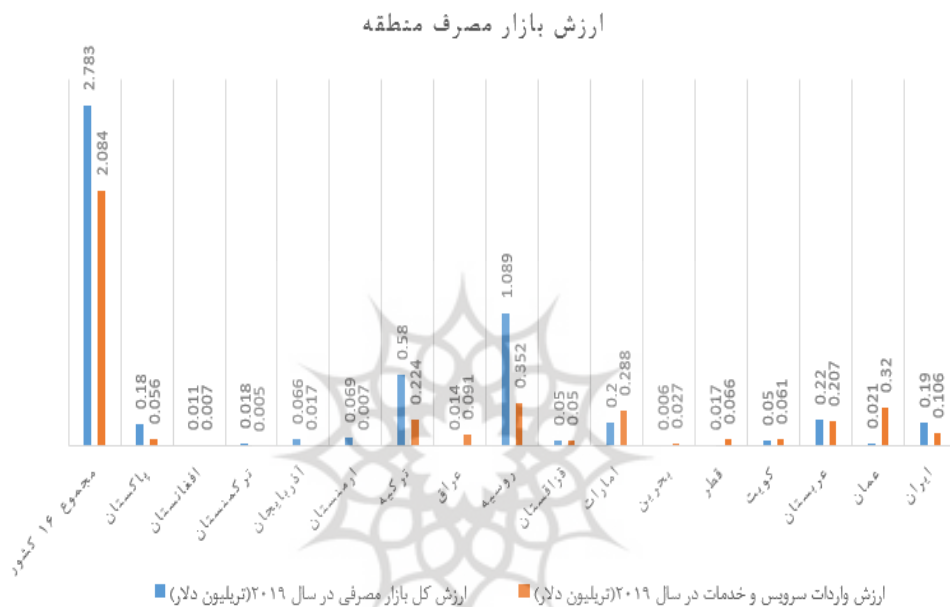
بهره باشد. همانگونه که عنوان شد تحرک فناوری و سرمایه از ویژگی‌های بارز عصر جهانی شدن اقتصاد می‌باشد. فناوری در مفهوم عام خود به منزله تمامی محصولات، روندها، سیستم‌ها، فرآیندها و دانش‌هایی است که در بهبود تولید کالا و خدمات مورد استفاده واقع می‌شوند؛ انتقال فناوری نیز به صورت انتقال ایده‌ها و دارایی‌های فکری از قبیل مهارت‌ها، علم و دانش فناورانه، محصولات سرمایه‌ای و روش تولید از مکان توسعه‌یافته به مکان در حال توسعه می‌باشد. تحریم‌های فناوری از جمله عواملی است که می‌تواند دسترسی کشورها را به فناوری‌های مدرن محدود سازد (مشهدی، رشیدی ۱۳۹۴: ۱۰۷).

تحریم‌های آمریکا علیه ایران ذیل صدور فناوری، "هرگونه صادرات و باز صدور، فروش، یا عرضه مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه کالا، فناوری و سرویس از آمریکا و یا به واسطه اشخاص آمریکایی به ایران" را ممنوع اعلام کرد (Mehta 2016: 768). با تشدید تحریم‌های ایران از سال ۲۰۰۶ کشورهای بیشتری در جهان به آمریکا پیوستند تا جایی که نقض کنندگان این تحریم‌ها اعم از فعالان اقتصادی دولتی و غیردولتی محکوم به پرداخت جریمه می‌شدند. این تحریم‌ها علاوه بر حوزه تجارت-سرمایه‌گذاری و انتقال دانش-فناوری، ۵ حوزه دیگر را نیز شامل می‌شدند (نادمی ۱۳۹۸: ۱۵۴). این قانون بازدارنده، که تا به امروز نیز پابرجاست موجب شده است که شرکتهای تولیدی کوچک و بزرگ چندملیتی و فراملیتی که صاحبان فناوری در جهان محسوب می‌شوند به علت ریسک‌گریزی به انتقال سرمایه و فناوری به جمهوری اسلامی ایران تن در ندهند. این امر باعث شده است که امکان حضور سرمایه در بخش‌های مختلف اقتصادی و زیرساختی از دست برود و دسترسی به فناوری‌های روز دنیا نیز میسر نباشد (نادمی، حسنونند ۱۳۹۸: ۱۵۴؛ حسن‌نیا ۱۳۹۸). از همین رو قدرت رقابت‌پذیری صنایع پایین آید و در نتیجه از میزان حجمی تولیدات نسبت به گذشته کاسته شود و یا محصول تولیدی نسبت به محصولات مشابه سایر رقبا بی‌کیفیت‌تر گردد، که هر دو حالت موجبات کاهش تقاضای محصول را سبب گشته و در نتیجه شاهد کاهش نرخ ارزآوری محصول و یا ارزش افزوده پایین‌تر خواهیم بود.

۷-۳-۲) بازار مصرف بزرگ داخلی و منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران از محدود کشورهایی است که با ۱۵ کشور در همسایگی خود دارای مرز مشترک آبی و خاکی می‌باشد؛ از همین رو شاید بتوان ایران را پس از روسیه و چین سومین کشوری دانست که نسبت به دیگر کشورها دارای بیشترین تعداد همسایگان است. همانگونه که در

نمودار زیر می‌توان مشاهده نمود، جمعیت تقریبی ۷۱۰ میلیون نفری منطقه که تقریباً ۱۰٪ از کل جمعیت جهان را شامل می‌شود به همراه بازار مصرف ۲.۷۸ تریلیون دلاری، که ۲.۰۸ تریلیون دلار آن از طریق واردات صورت می‌گیرد، پتانسیلی است که می‌تواند نظر هر سرمایه‌گذاری را به خود جلب نماید (worldometer 2021).



ارزش بازار مصرف منطقه (منبع worldbank 2020)

بنابراین همانطور که دیدیم ظرفیت بالای سرمایه‌گذاری در بازار تولید و خدمات منطقه به همراه توانمندی‌های فناورانه مدرن و به روز چین و ژاپن به عنوان دومین و سومین قدرتهای اقتصادی جهان در تولید کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای و ارائه خدمات، می‌تواند موجبات گسترش روابط ایران، چین و ژاپن را فراهم آورد.

اما منافع و نقشه راه ایران در این کارزار چیست؟ از آنجاییکه ژاپن تنها از طریق مسیر زمینی - دریایی ایران می‌تواند به اکثر کشورهای منطقه دسترسی داشته باشد، ایران می‌تواند به عنوان حلقه وصل کشورهای منطقه، به عنوان پایانه‌ای برای کالاهای ژاپنی محسوب گردد که توزیع، تولید و مونتاژ آنها توسط ایران صورت می‌پذیرد، چراکه با توجه به اقتصاد سیاسی جهانی و پررنگ شدن

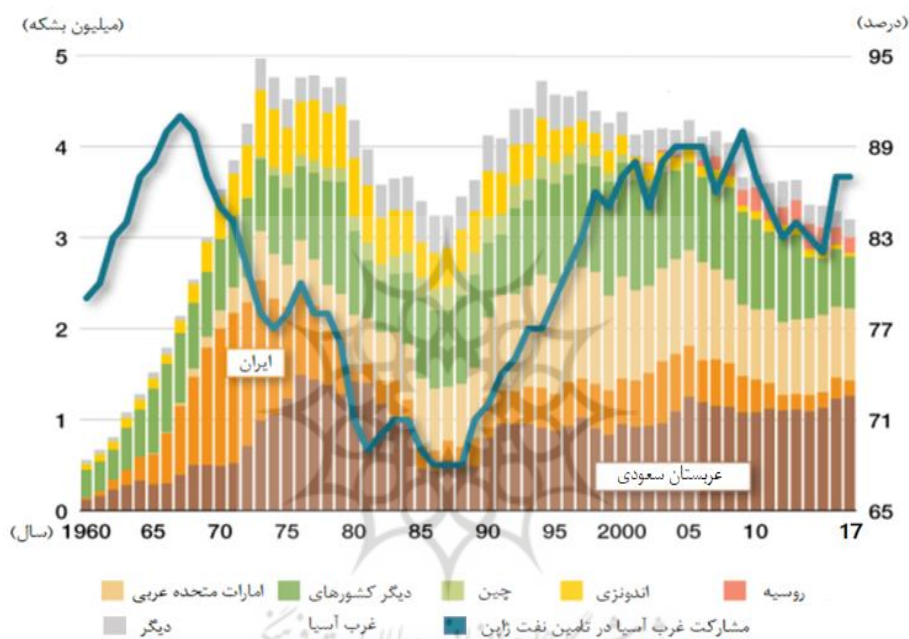
مفاهیم این رشته همچون سرمایه‌داری ائتلاف، تحرک‌پذیری سرمایه، مدیریت استراتژیک و افزایش بهره‌وری کورپوریشن‌ها در سده جدید میلادی شرکت‌های تولیدی ژاپنی در راستای کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌ی تولید ناشی از انباشت سرمایه بخش بزرگی از فناوری خود را به این پایانه منتقل می‌کنند (Palan 2000: 37-40) در نتیجه باعث رشد روزافزون اقتصاد ایران، افزایش توانمندی‌ها و فراهم آمدن امکان تاثیرگذاری موثرتر و کارآمدتر ایران در کشورهای منطقه به دور از هرگونه حساسیت زایی خواهد شد.

ایران، کانون بیضی انرژی جهانی: یکی از ظرفیت‌های قدرت ایران را می‌توان موقعیت ژئوانرژی این کشور دانست. ایران کشور است که از شمال به منابع عظیم هیدروکربنی در دریای خزر و از جنوب به منابع نفت و گاز خلیج فارس منتهی می‌شود. ایران با ذخایر تثبیت شده نفتی ۲۰۸ میلیارد بشکه‌ای جایگاه سومین کشور نفتی جهان و با منابع تثبیت شده گازی ۴-۳۳ تریلیون مترمکعبی جایگاه دومین و به نقل از آخرین گزارش بیربیتش پترولیوم جایگاه اولین کشور گازی جهان را دارا است (IENE 2018, Opec 2019, IEA 2019: 5). از همین رو جفری کمپ^۱ این کشور را قلب بیضی انرژی جهان می‌داند که قدرت تعیین‌کننده‌ای را در بازار انرژی جهانی دارد (گل‌کرمی و همکاران ۱۳۹۷: ۴۴). اما با این همه، با توجه به وجود تشدید تحریم‌های آمریکایی و نه جهانی میزان کل صادرات نفتی ایران به ۶۵۱۰۰۰ بشکه در روز و میزان کل صادرات گازی ایران به ۷۹ میلیون مترمکعب در روز رسیده است که نسبت به منابع غنی هیدروکربنی ایران به شدت پایین نگه داشته شده است، تا جاییکه با توجه به اطلاعات ناقص سایت‌های آماری، ایران با درآمد صادراتی ۱۹.۲۳ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۹ هیچ جایگاهی میان پانزده کشور بزرگ صادرکننده نفت و گاز نخواهد داشت (جایگاه ۴۴ در صادرات گاز و جایگاه ۱۶ الی ۲۱ در صادرات نفت) (جولایی ۱۳۹۹) (Workman 2020, Index mundi 2020, Opec 2019).

مطابق داده‌های سال ۲۰۱۹ ژاپن ۸۷٪ از نیازهای انرژی‌اش را از طریق سوخت‌های فسیلی تامین می‌کند؛ ۲۵٪ از این مقدار را ذغال سنگ، ۳۹٪ را نفت و ۲۳٪ آن را نیز گاز طبیعی تشکیل می‌دهد؛ و از آنجاییکه ژاپن نیز همچون دیگر کشورهای شمال شرق آسیا کشوری است که دارای فقر منابع هیدروکربنی می‌باشد، نزدیک به تمامی این منابع را از طریق واردات تامین می‌نماید. همانگونه که در نمودار ۱۷ نیز مشخص است غرب آسیا با تامین حدود ۹۰٪ از این نیازها، به عنوان مهم‌ترین مبدا صادراتی منابع هیدروکربنی به ژاپن محسوب می‌شود (Nippon 2019).

^۱. Geoffrey Kemp

ایران به عنوان یکی از کشورهای غرب آسیا از گذشته نقش مهمی را در تامین انرژی ژاپن ایفا نموده است. همانطور که در شکل زیر مشخص است تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران سهم این کشور در تامین نیاز نفتی ژاپن به شدت کاهش داده است و بر سهم بازیگری نفتی عربستان سعودی در ژاپن افزوده است؛ برآورد می‌شود که متعاقب بازگشت تحریم‌های آمریکایی سهم ایران از بازار نفتی ژاپن در سال جاری نزدیک به صفر درصد رسیده باشد.



تغییرات واردات نفت ژاپن از کشورها (منبع Nippon.com)

این تحریم‌ها علاوه بر اینکه از صادرات بی‌دردسر نفت و گاز ایران جلوگیری کرده است، سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها را نیز با مشکل مواجه کرده؛ از همین رو این بازار نیز به شدت تشنه سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد که حضور ایران در طرح کمربند و جاده و طرح مشارکت برای زیرساخت آسیایی می‌تواند این مشکل را برطرف نماید. افزایش همکاری‌ها در زمینه اکتشاف و توسعه منابع نفت و گاز و ارتقا همکاری‌ها در زمینه اتصال زیرساخت‌های انرژی به یکدیگر و همکاری برای تضمین امنیت خطوط انرژی از مهم‌ترین محورهای آزاد سازی تجاری در طرح کمربند و جاده می‌باشد که بایستی مورد توجه ایران واقع گردد و درصدد بهره‌مندی تمام و کمال از آن برآید.

با توجه به آخرین گزارشات وزارت نفت در سال ۱۳۹۵ قسمت بزرگی از میادین نفت و گازی کشور نیازمند توسعه و بروز رسانی‌اند به طوریکه "از مجموع ذخایر نفتی کشف شده تا کنون، ۴۵ درصد آنها توسعه نیافته است که این مقدار در بخش گاز به ۷۷ درصد می‌رسد" (وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۵). این امر موجب شده است تا این بخش با اهمیت ارزآوری آن با مشکلاتی از قبیل:

- ۱- ناتوانی در کسب مزیت رقابتی پایدار
- ۲- عدم توانایی در حفظ بقا در عرصه رقابت و تثبیت بازار فروش
- ۳- ناتوانی در بهره‌مندی از منابع محدود موجود و ناکامی در افزایش درآمد

دست به گریبان باشد (امیرقدسی و همکاران ۱۳۹۵: ۱۸۴). این در حالی است که درآمدهای نفتی نزد جمهوری اسلامی ایران که بر اساس آخرین آمار در سال ۲۰۱۸، ۵۶٪ از صادراتش را مواد نفتی تشکیل داده است، از اهمیت بالایی برخوردار است. به گفته وزیر نفت وقت جمهوری اسلامی ایران در سال ۹۶، به منظور توسعه و احیاء تمام میادین کشور به ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است که تنها ۲۵ تا ۳۰ درصد از این مبلغ از طریق منابع داخلی قابل تامین است و مابقی آن بایستی از منابع خارجی تامین گردد (زنگنه ۱۳۹۸). این در حالی است که بزرگترین طرح ارائه کمک‌های مالی و مشاوره‌ای توسط ژاپن در آسیا در حال پیگیری است. همانگونه که در بخش پیشین به آن اشاره کردیم، ژاپن از کشورهای به شدت وابسته در حوزه نفت و گاز می‌باشد که بیش از ۹۰٪ منابع انرژی خود را از طریق واردات تامین می‌کند. از همین رو این کشور در راستای تامین امنیت انرژی خویش علاقه زیادی به سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز ایران نشان خواهد داد (تقی‌زاده‌حصاری ۱۳۹۴).

ژاپن در سال ۲۰۱۹، جمعاً ۱۵۵ میلیارد دلار منابع هیدروکربنی وارد کرده است که این مقدار ۲۲٪ از کل واردات ژاپن را در سال ۲۰۱۹ شامل می‌شود، همین آمار ژاپن را به ترتیب در رده چهارمین و پنجمین واردکننده و مصرف‌کننده بزرگ نفتی جهان جای داده است. اما مهم‌تر اینکه با افزایش مصرف گاز مایع در ژاپن در سالهای اخیر، این کشور به بزرگترین واردکننده گاز مایع جهان در سال ۲۰۱۹ تبدیل شده است (Trendeconomy 2021, eia 2020: 1). جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه ژاپن در سال ۲۰۱۹ با سرمایه‌گذاری خارجی ۲۲۷ میلیارد دلاری، پرقدرت‌ترین کشور سرمایه‌گذار جهان نام گرفت و از ۸۲ ابر پروژه ۲۰۲۰-۲۰۱۵ در آسیا و دیگر نقاط جهان، تعداد قابل توجهی از آنها را در حوزه انرژی و نفت و گاز انجام داده است که نشان از توانایی تکنولوژیکی این کشور در این حوزه دارد (JBIC 2020)؛ می‌تواند به همکاری‌های تکنولوژیکی و سرمایه‌ای با این کشور قدرتمند شرق آسیای بپردازد.

ایران به عنوان بازیگر غالب منطقه‌ای: بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل مهم‌ترین شاخصه دهه دوم قرن ۲۱ را کاهش تدریجی قدرت نسبی ایالات متحده می‌دانند که به تبع آن از تعهدات امنیتی این کشور در مناطق مختلف جهان نیز کاسته خواهد شد (آهوپی، حسینی ۱۳۹۵: ۵۱-۶۴). در همین راستا دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۹ با رد موضع آمریکا به عنوان پلیس جهان از چین، ژاپن و سایر کشورها خواست تا خودشان با هزینه خودشان به محافظت از کشتی‌های خود در جهان و البته تنگه هرمز بپردازند (Lockie 2019). وی در سال ۲۰۲۰ در سخنرانی خود در وست پوینت اعلام کرد که «ایالات متحده نمی‌تواند همچنان پلیس جهان باشد» و در ضمن «این وظیفه ما نیست که مناقشات تاریخی و کلاسیک در سرزمین‌هایی را حل کنیم که مردم ما حتی نام آن کشورها را هم نشنیده‌اند» (Trump 2018, 2020). در سال ۲۰۲۰ و متعاقب ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس توسط ایالات متحده در عراق، ایالات متحده آمریکا ذیل فشارهای عراق و ایران تعداد پایگاه‌های خود در عراق را از بیست پایگاه به چهار پایگاه کاهش داد. این تحرکات عملاً می‌تواند نشان از کاهش تعهدات امنیتی آمریکا به امنیت منطقه و مسئولیت مستقیم این کشور در حفظ توازن قدرت سنتی در غرب آسیا باشد. در همین راستا و مطابق با روند والتزی انتقال قدرت^۱ در بازتوزیع قدرت، کشورهای قدرتمند منطقه جای خالی ایالات متحده را پر کرده و بر قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود می‌افزایند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگر بلامنازع منطقه غرب آسیا مهم‌ترین قدرتی است که می‌تواند در این روند انتقالی کسب قدرت نماید، کما اینکه این کشور در ۴۰ سال گذشته به دلیل تضاد شدید منافع با ایالات متحده همواره در راستای کاهش مداخلات قدرتهای جهانی به خصوص آمریکا در امور منطقه گام برداشته است. به عقیده جمهوری اسلامی ایران کشورهای منطقه می‌توانند با اتکا به یک سیستم امنیتی دسته جمعی منطقه‌ای امنیت منطقه را فراهم آورند. بازتوزیع قدرت توسط نظام بین‌المللی را می‌توان دارای دو پیامد عمده برای غرب آسیا دانست که بدون شک دارای تأثیرات مهمی در سیاست‌های خاورمیانه‌ای کشورهای قدرتمندی نظیر ژاپن خواهد بود: اول کاهش قدرت منطقه‌ای ایالات متحده در غرب آسیا و دوم افزایش قدرت قدرتهای منطقه‌ای نظیر ایران از مهم‌ترین نتایج توازن نوین در غرب آسیا در سالهای آتی.

با توجه به اینکه تامین حدود ۹۰٪ از منابع هیدروکربنی مورد نیاز ژاپن از منطقه غرب آسیا صورت می‌گیرد و بیش از ۸۰٪ کل این نیاز، از تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان عبور می‌کند،

۱. والتز طبق این اصل بیان می‌کند که میزان کل قدرت در جهان ثابت می‌باشد و هر بار که بازتوزیع قدرت صورت می‌گیرد، میزان قدرت تخصیص یافته به هر واحد تغییر می‌کند، به بیان واضح‌تر قدرت از واحدی به واحد دیگر منتقل می‌شود.

کوچکترین تنش ژاپن با هر یک از قدرت‌های منطقه غرب آسیا می‌تواند اختلال در واردات انرژی ژاپن را به همراه داشته باشد، تنشی که می‌تواند بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی گسترده‌ای را برای ژاپن در پی داشته باشد. با این تفاسیر است که ژاپن در فراخوان ترامپ در سال ۲۰۱۹، در راستای ایجاد یک ائتلاف نظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز به منظور حفاظت از کشتی‌های تجاری تا حدودی مردد عمل نمود؛ تا جاییکه ممکن است ژاپن سیاست بیطرفی پیشین خود میان ایران و آمریکا را ادامه داده و به نوعی از همراهی تمام و کمال با این ائتلاف خودداری کرده و یا به اعمال پشتیبانی روی آورد (Hornung 2019). وجود منافع مشترک فراوان میان جمهوری اسلامی ایران و دو کشور چین و ژاپن (که تنها در اینجا به اهم آنها اشاره شد) می‌تواند موجبات همکاری‌های گسترده آنها را ذیل دو طرح کمربند و جاده و مشارکت برای زیرساخت کیفی فراهم آورد؛ همکاری‌هایی که به کسب مزایای تجاری برای طرفین و امنیت بیش از پیش آنها ختم می‌گردد. نیاز دو طرح جامع شرقی به امنیت، بازار مصرفی انبوه، منبع انرژی فسیلی و از همه مهم‌تر جایگاه ژئواستراتژی ایران و نیاز مبرم ایران به سرمایه‌گذاری آنها در حوزه‌های متفاوت داخلی، اتصال به زنجیره ارزش جهانی، ارتقاء جایگاه خویش در توزیع کار بین‌المللی و در نهایت تامین منافع ملی و منطقه‌ای موجب می‌شود که طرفین به همکاری با مزیت جمع جبری مثبت روی آورند و از این طریق به افزایش امنیت خویش نیز نائل آیند. امنیتی که برای جمهوری اسلامی ایران به مراتب کامل‌تر از امنیت تک بعدی در حوزه سخت‌افزاری خواهد بود.

نتیجه‌گیری

رقابت اقتصادی دو قدرت شرقی ذیل سایه آناژشی بین‌المللی در روابط بین‌الملل جهانی شده کنونی که نقش اقتصاد، تجارت و سرمایه را پررنگ می‌داند موجبات نیل به قرن آسیا را فراهم آورده است. اما دیدیم گرچه ژاپن از بزرگترین صادرکنندگان کمک‌های رسمی توسعه‌ای و سرمایه مستقیم خارجی است و طرح کمربند و جاده چین نیز جاه طلبانه ترین ابتکار قرن محسوب می‌شود، اما با این اوصاف نیاز سرمایه‌ای و زیرساختی کشورهای آسیایی برای کسب جایگاهی به نسبت بالاتر بسیار فراتر از این اعداد و ارقام است و مطمئناً کشورهای پیشرو در جذب بیشترین سرمایه خروجی در آینده خواهند توانست در تصمیم‌سازی‌های آینده جهانی بسیار موثرتر وارد شوند.

ظرفیت‌های بی نظیر جمهوری اسلامی ایران که در متن مقاله به اهم آنها پرداخته شد اهرم‌هایی هستند که می‌توانند این تضمین را بدهند که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با جذب بالای سرمایه

بین‌المللی و البته هموارسازی همزمان موانع داخلی بیش از هر کشور دیگری اهمیت خود را در آسیا به اثبات رساند. اما این کار از نگاه اقتصاد سیاسی گیلپین نیازمند ایجاد موازنه‌ای کارآمد و دقیق میان دو سری از اهداف اقتصادی و امنیتی می‌باشد که در نهایت هر دو سری اهداف، هدف نهایی امنیت ملی را مد نظر دارند به بیانی دیگر ابزارها چه از نوع سخت افزاری و چه نرم‌افزاری تنها هدف تامین امنیت ملی را در دستور کار خود خواهند داشت. بنابراین دولت جمهوری اسلامی ایران نیز همچون سایر دول مدرن بایستی کارویژه اولیه خود یعنی هموارسازی انباشت ثروت را توسط بنگاه‌های ملی فراهم آورند، همان عملی که چین و ژاپن با انجام آن قصد خود را مبنی بر حمایت از بنگاه‌های اقتصادی، تداوم رشد و نمو نسبی اقتصادی و در نتیجه حمایت از قدرت اقتصاد ملی را نشان داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اساسی‌ترین کارویژه‌ی دولت‌های مدرن در بستر روابط بین‌الملل کنونی بایستی نقش دولتی که نه تنها رافع محدودیت‌های موجود بر سر راه رشد شرکت‌های ملی است بلکه عاملیت پشتیبانی همه‌جانبه از آنها در راستای رشد و توسعه اقتصاد ملی و احراز جایگاهی بالاتر در زنجیره ارزش جهانی و تقسیم کار بین‌المللی را خواهد داشت و این امر میسر نمی‌شود مگر با رفع تحریم‌های بین‌المللی، چنانکه پس از امضا برجام در سال ۲۰۱۵ جذب سرمایه بین‌المللی و فناوری موجب شد تا ایران در این سال ضریب رشد ۱۳.۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی را در جهان احراز نماید و بالاترین ضریب رشد جهانی را به ثبت برساند.

منابع و مأخذ

- آدمی، علی (۱۳۸۹)، "راهبردهای نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها"، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۷، صص ۹۷-۱۲۶
- اسمیت، روی و انیس، عماد و فرانسیس، کریستوفر (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی بین‌الملل در قرن بیست و یکم»، ترجمه: امیر محمد حاجی یوسفی و روح‌الله طالبی آرانی، چاپ دوم، انتشارات مخاطب، تهران.
- اقتصاد ۲۴ (۱۳۹۸)، "احتمال سرمایه‌گذاری ژاپن در بندر چابهار چقدر است"، از <https://eghtesaad24.ir/0005xz>
- امیرقدسی، سیروس و همکاران (۱۳۹۵)، "آسیب‌شناسی عدم توفیق توسعه تکنولوژیک صنعت نفت ایران از طریق مطالعه تطبیقی با نروژ"، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱، صص ۱۸۳-۲۰۹
- آهویی، مهدی؛ حسینی، دیاکو (۱۳۹۵)، "افول هژمونی آمریکا: معنای انتقال قدرت در نظام جهانی و الزامات سیاستگذاری"، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۰، صص ۵۱-۶۶
- آیت‌الله خامنه‌ای، علی (۱۳۸۲)، "سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی"، صص ۱-۸

- پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی (۱۳۹۷)، "گریدور شمال-جنوب؛ نقش آفرینی ایران در ترانزیت منطقه و جهان"، از <http://news.mrud.ir/news/54538/>
- پورا احمدی، حسین (۱۳۹۷)، "جزوه درس اقتصاد سیاسی بین‌الملل"، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی
- تقی‌زاده حساری، فرهاد (۱۳۹۵)، "اهمیت سفر دکتر ظریف و هیات همراه به توکیو"، روزنامه دنیای اقتصاد، از <http://www.magiran.com/article/3480389>
- حسن‌نیا، آرش (۱۳۹۸)، "ایران در تحریم؛ سقوط آزاد نفتی و رشد صفر درصدی"، بی‌بی‌سی فارسی، از <https://www.bbc.com/persian/iran-features-50288110>
- خداقلی‌پور، علیرضا (۱۳۹۶)، "ابتکار کمربند-راه چین و تاثیر آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۱، صص ۱۷-۴۹
- دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۱)، "دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد جهانی". فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، مرکز بررسی‌های استراتژیک، دوره ۳، شماره ۹ صفحه ۶۷-۸۶
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۹)، "ماشه اقتصاد آمریکا در دست چین؟"، از <https://www.donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3687270>
- زنگنه، بیژن (۱۳۹۸)، "برای توسعه صنعت نفت و گاز کشور ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم"، پایگاه خبری ایران اکونومیست، از <http://iraneeconomist.com/fa/news/164605/>
- عباسی نسب، حسین (۱۳۹۹)، "نگرش ایران به شرق، چالش برای غرب"، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). از <https://www.ima.ir/news/83852943/>
- فردانیوز (۱۳۹۶)، "ظرفیت‌های بالقوه در اقتصاد چیست؟"، از <https://www.fardanews.com/fa/news/655810/>
- گل‌کرمی، عابد؛ همکاران (۱۳۹۷)، "تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قابلیت‌های ژئواکونومیک"، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۴۹، صص ۳۷-۵۷
- گیلپین، رابرت (۱۹۸۱)، جنگ و تغییر در سیاست جهان، ترجمه سجاد بهرامی مقدم (۱۳۹۷)، تهران، نشر مخاطب
- مشهدی، علی؛ رشیدی، مهناز (۱۳۹۴)، "تاثیر تحریم‌های وضع شده علیه ایران بر محیط زیست، انرژی، و انتقال تکنولوژی از منظر حقوق بین‌الملل"، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۶، شماره ۴۶، صص ۱۰۳-۱۲۳
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، "تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران
- منصوری مقدم، جهان‌شیر؛ اسمعیلی، علی (۱۳۸۷)، "تحلیلی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست محمود احمدی‌نژاد از منظر مدل پیوستگی «جیمز روزنا»"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، صص ۲۸۳-۳۰۰
- نادمی، یونس؛ حسونوند، داریوش (۱۳۹۸)، "شدت تحریمها و فقر در ایران: لزوم لغو تحریمها از منظر حقوق بشر"، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۱۵۳-۱۷۰

وزارت امور خارجه (۱۳۹۹)، "گزاره برگ در خصوص برنامه همکاری جامع ایران و چین"، از <https://www.mfa.gov.ir/files/mfa/PDF>

وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، "میادین نفت و گاز"، سایت وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران، از <https://www.mop.ir/portal/home/?news/>

Abe, Shinzo (2013). "Opening Statement. First Meeting. The Ministerial Meeting on Strategy Relating Infrastructure Export and Economic Cooperation". Prime Minister of Japan and His Cabinet Homepage.

https://japan.kantei.go.jp/96_abe/actions/201303/13kki_kaigi_e.html

Cfr (2021). "China's Maritime Disputes 1895-2020". From <https://www.cfr.org/timeline/chinas-maritime-disputes>

Chan, Julian (2018). "Europe's challenge to china". THE DIPLOMAT. From <https://thediplomat.com/2018/10/europes-challenge-to-china/>

Eia (2019). "Country Analysis Executive Summary: Iran. Independent statistics & analysis U.S. energy information administration". Eia Report, pp 1-9

Eia (2020), "Country Analysis Executive Summary: Japan, Independent statistics & analysis U.S. energy information administration", Eia Report, pp 1-14

Global economics paper (2007)," The N-11: More than an Acronym", Goldman Sachs Economic Research. No 153. pp 1-23

Horning, Jeffrey W. (2019), "Japan's Hormuze Dilemma", The Rand Blog, from <https://www.rand.org/blog/2019/08/japans-hormuz-dilemma.html>

IENE (2018). "Iran Holds 18% of Total Global Proven Gas Reserves". From <https://www.iene.eu/iran-holds-18-of-total-global-proven-gas-reserves-p3510.html>

Index mundi (2018). Country Comparison > Oil – exports. From <https://www.indexmundi.com/g/r.aspx?v=95>

JBIC (2020). Infrastructure. From <https://www.jbic.go.jp/en/business-areas/sectors/infrastructure.html>

Keohane, Robert & Nye, Josef (2001).” Power and Interdependency”, Longman Publishing, London

Lockie, Alex (2019). "Trump calls on China, and the world, to protect their own ships from Iran, business insider", from <https://www.businessinsider.com/trump-calls-on-china-others-protect-own-ships-iran-2019-6>

Mehta, Pinky P. (2016). "Sanctioning Freedoms: U.S. Sanctions against Iran Affecting Information and Communications Technology Companies", Legal Scholarship Repository, Vol. 37:2, pp 763-812

Mofa, Mof, Meti, Mlit (2015). "Partnership for Quality Infrastructure Investment for Asia's Future. Ministry of Foreign Affairs of Japan". From Summary of "Partnership for Quality Infrastructure"(PDF)

Moheb, faezeh; araghchi, seyed abbas (2019). "Cultural Diplomacy; Iran-Japan Relations during the Sanction Period". Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 8, No. 2, Summer- Fall 2017, pp. 79-109

Nippon (2019). "Japan Still Reliant on Middle Eastern Oil". From <https://www.nippon.com/en/japan-data/h00482/japan-still-reliant-on-middle-eastern-oil.html>

Opec (2019). Iran facts and figures. From https://www.opec.org/opec_web/en/about_us/163.htm

- Palan, Ronen (2000), "Global Political Economy: Contemporary theories". **Routledge (Taylor & Francis Group)**. pp 36-52
- Silk Road Briefing (2017). "Japan, India Propose Asia-Africa Growth Corridor as Alternate OBOR". From <https://www.silkroadbriefing.com/news/2017/09/05/japan-india-propose-asia-africa-growth-corridor-alt-obor/>
- Sriyani, Karmelia; Nonutu, Tiara (2020). International Political Economy: Theories And Case Studies. Jl. Mayjen Sutoyo No.2 Cawang Jakarta 13630
- Strang, Susan (1994), "Rethinking Structural Change in The International Political Economy: States, Firms and Diplomacy", Richard Stubbs and Geoffrey Underhill, Political Economy and The Changing Global Order, Eds. Canada, Mcclelland, pp.103-115
- Tradeconomics (2021). "China Military Expenditure". From <https://tradeconomics.com/china/military-expenditure>
- Trendeconomy (2021), "Imports structure to Japan in 2019 represented by the following main commodity groups", <https://trendeconomy.com/data/h2/Japan/TOTAL>
- Trump (2018). "US won't be world's 'policeman', Trump says during surprise visit to Iraq. The straits times. From <https://www.straitstimes.com/world/united-states/in-a-first-trump-makes-surprise-visit-to-us-troops-in-iraq>
- Trump (2020). "Donald Trump tells West Point cadets: 'We are not the policeman of the world'". The Telegraph. From <https://www.telegraph.co.uk/news/2020/06/13/donald-trump-tells-west-point-cadets-not-policeman-world/>
- Unctad (2021). Comparison between China and Japan's GDP (2000-2019). From <https://unctadstat.unctad.org/wds/TableViewer/tableView.aspx>
- Waltz, Kenneth N. (2008). "Realism and International Politics". New York: Routledge.
- Wong, Erebus; Kin Chi, Lau (2017), "One Belt, One Road China's Strategy for a New Global Financial Order", from <https://monthlyreview.org/2017/01/01/one-belt-one-road/>
- Workman, Daniel (2020). "Petroleum Gas Exports by Country". World's Top Exports. From <http://www.worldstopexports.com/petroleum-gas-exports-country/>
- Worldbank (2021). Arms imports (SIPRI trend indicator values) – Japan. From <https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.MPRT.KD?end=2019&locations=JP&start=2010>
- Worldometer (2021). Most Populous Countries in the World (2020). From <https://www.worldometers.info/population/most-populous-countries/#future>



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی